

واقعیتی اسفبار!

تأملی بر موانع سرمایه‌گذاری داخلی و کسب و کار در کشور

رحمان حسنی - کارشناس ارشد اقتصاد و بازرگانی

یادگیری اصول آن، بستر مناسبی را برای حضور پایدار در این بازارها فراهم آورده بودند، به گونه‌ای که ما شاهد معروفیت نام‌های تجاری این شرکت‌ها در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان بودیم، ولی پس از انقلاب و به علت وجود مدیرانی که چنان درک و بینشی را نداشته‌اند، ما شاهد افزایش پرسنل، بهره‌وری پایین، کیفیت غیرقابل قبول و کمیت ضعیف تولیدات و خدمات به دلیل سوءمدیریت بوده‌ایم که نه تنها نتوانست حضور در بازارهای جهانی را تداوم بخشد، بلکه نتوانست حتی نیاز آحاد جامعه را برطرف سازد و رضایت آنان را جلب کند.

وضعیت ایران از لحاظ خدمات بیمه‌ای و

بانکی، حتی از وضعیت کشورهای
شمال آفریقا هم بدتر است.

۲) **عدم امنیت سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران:** قبل از توضیح این مطلب، بایستی به تعریف امنیت سرمایه‌گذاری بپردازیم که عبارتست از وجود چارچوب‌های قانونی و بسترهای حقوقی توسعه‌یافته که در آن بسترها، از حقوق و آزادی‌های فردی و حقوقی مالکیت در جهت حفظ حقوق عمومی و اختصاصی آحاد جامعه صیانت می‌شود. اما چنین امر مهمی متأسفانه در کشور ما وجود ندارد. مصادیق این وضع را نیز می‌توان در مصادره اموال و دارایی‌های

۲) عدم امنیت سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران.
۳) ناکارآمد بودن قوانین مربوط به حوزه کسب و کار.
۴) فرسوده بودن مکانیسم اجرایی در حوزه کسب و کار.
۱) **وجود اقتصاد و انحصار دولتی:** پس از انقلاب در سال ۱۳۵۷ شرایط و مقتضیات موجود در آن فضا و همچنین رویدادهای پس از آن مانند جنگ، منجر به دولتی‌شدن بیشتر شرکت‌ها و موسسات خصوصی تولیدی و خدماتی، بانک‌ها و کارخانجات گردید و همگی اینگونه موسسات ملی اعلام شدند و بدین ترتیب، تصدی و مالکیت بیشتر از ۹۰ درصد اقتصاد کشور در چنگال دولت قرار گرفت. بدیهی است که در اثر این رویداد، نه تنها بخش خصوصی کشور ضربه سختی دید و سرمایه‌گذاران دلسرد و مایوس شدند، بلکه مدیرانی ناکارآمد و غیرمتخصص، ولی متعهد، بر کرسی‌های تصمیم‌گیری در این شرکت‌ها و سازمان‌ها و حتی نهادهای تصمیم‌گیر قرار گرفتند. این به‌کارگیری غیراصولی در انتخاب مدیران، منجر به ضرردهی بیشتر این واحدهای اقتصادی گردید، به گونه‌ای که شرکت‌ها و بنگاه‌هایی که تا چند سال قبل در مالکیت و تصدیگری بخش خصوصی قرار داشتند و با بهره‌وری بالا کار می‌کردند و نه تنها نیاز جامعه خود را در زمینه‌های گوناگون مرتفع می‌نمودند، بلکه با دوراندیشی و تعبیه سیستم مدیریت خردگرا، به حضور در بازارهای جهانی نیز توجه داشتند و با

طی سالیان گذشته، همواره درباره کمبود تولیدات و خدمات و لزوم واردات انواع کالاها - از سرمایه‌ای گرفته تا مصرفی - بحث‌های بسیاری شده است، ولی باید گفت که یکی از علل عدم توسعه و پیشرفت در ایران، کمبود نهادهای تولیدی و خدماتی و عدم استفاده از ظرفیت واقعی و پتانسیل‌های بالقوه آن نهادهاست و این امر هم به علت نبود یا کمبود سرمایه‌گذاری داخلی در این حوزه‌هاست. با نگاهی گذرا به میزان تولیدات کشور در انواع زمینه‌ها، درمی‌یابیم که موارد ذکر شده، از کمیت گسترده و کیفیت قابل قبولی برخوردار نیستند، چرا که به علت تقاضای زیاد آحاد جامعه و عرضه کم فعالان تولیدی، مصرف‌کننده ناگزیر از خرید محصولات برای رفع احتیاجات خود است و تا زمانی که تقاضا از عرضه پیشی نگرفته باشد و هیچگونه رقابتی بین تولیدکنندگان کالا موجود نباشد، این وضعیت ناعادلانه ادامه خواهد یافت. حال باید دید که علل عدم سرمایه‌گذاری داخلی در کشور چیست؟

۱) وجود اقتصاد و انحصار دولتی.

تا هنگامی که تقاضا از عرضه

پیشی نگرفته باشد و هیچگونه رقابتی بین
تولیدکنندگان کالا موجود نباشد،
همین وضعیت ناعادلانه ادامه خواهد یافت.

سوءمدیریت حاکم نباشند. قانون کار هم که از زمان تدوین تا به امروز نتوانسته است یک رابطه منطقی و متعادل را بین کارگر، کارفرما و دولت ایجاد کند و ظاهراً به نظر می‌رسد که برخوردهای جانبدارانه آن، همواره موجب تشدید عدم تعادل‌ها شده است.

کیفیت قانون بیمه و مالیات نیز همانند سایر قوانین از تحولات و رویکردهای دنیای مدرن دور مانده و به‌طورکلی، بیشتر اینگونه قوانین مادر که بایستی زمینه‌ساز و بسترساز برای سرمایه‌گذاری در داخل باشند، عملاً به‌عنوان مانعی مهم بر سر راه آن قرار گرفته‌اند.

۴) فرسوده‌بودن مکانیسم اجرایی در حوزه کسب و کار: بوروکراسی گسترده اداری و تشریفات غیرضروری در انجام سرمایه‌گذاری‌های داخلی نیز عامل بسیار مهمی است، به‌طوری که بعضاً دریافت مجوز و استعمال از ده‌ها نهاد و سازمانی که کارفرما ملزم به تعامل با آنهاست، ماه‌ها زمان می‌برد. همچنین غیرکارشناسی و غیرتخصصی بودن اظهارات کارشناسان ظاهری را که با واقعیت در تضاد است، می‌توان به‌عنوان مصادیقی در فرسودگی ساختار اجرایی کشور در حوزه کسب و کار نام برد.

عقب‌ماندگی نظام پولی و بانکی کشور در ارایه انواع خدمات متداول و مرسوم می‌شود که توسط سایر بانک‌های جهان ارایه می‌شود، بهترین مصادقی است که می‌توان به عنوان نمونه‌ای دیگر از آن نام برد. به گفته بسیاری از کارشناسان و اعلام نظر رسمی نهادهای مربوط به حوزه کسب و کار و یا موسسات مربوطه در کشورهای مختلف جهان، وضعیت ایران از لحاظ خدمات بیمه‌ای و بانکی حتی از کشورهای شمال آفریقا هم بدتر است و این امر خود زنگ خطر بسیار مهمی برای توسعه اقتصادی کشور بشمار می‌آید.

برنامه‌ریزان، سیاستگذاران و مدیرانی که دغدغه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را دارند، باید در برابر این اعلام‌خطرها هشیار و حساس باشند، وگرنه...



② سرمایه‌گذاری و تولید، ناتوان و ازبافتاده.

دنبال انتقادات بسیاری از فعالان اقتصادی نسبت به قانون موجود و با همت وزارت بازرگانی، پیشنهادهای جدیدی برای قانون تجارت کشور با همکاری گسترده بسیاری از صاحب‌نظران حوزه اقتصاد و بازرگانی ارایه گردیده که متأسفانه هنوز به صورت یک قانون درنیامده است و لاجرم باید از قانون قبلی تبعیت کرد که این امر خود معضلی بزرگ برای تجارت و اقتصاد کشور بشمار می‌رود.

قانون تامین اجتماعی نیز که در سال ۱۳۵۴ به‌اجرا درآمد، متأثر از فضایی کاملاً مستبدانه است و نتوانسته است شرایطی را فراهم نماید که در آن کارگر تامین اجتماعی واقعی و بهتری داشته باشد و یا کارفرمایانی که بیشترین سهم بیمه را نسبت به کارگر و دولت می‌پردازند، بتوانند در تصمیم‌گیری‌های مربوط به بازار کار تاثیرگذار باشند و آن را از لحاظ درآمد و هزینه مدیریت کنند تا شاهد بالارفتن هزینه‌های عملیاتی و غیر اقتصادی شدن سرمایه‌گذاری‌ها به‌علت

افراد جامعه به علل متعدد و غیراصولی، به‌ویژه در اوایل انقلاب مشاهده کرد و روابط دولت در دو سال اخیر نیز دلواپسی‌های مشابهی را به‌وجود آورده است.

از ریسک بالای سرمایه‌گذاری در کشور نیز می‌توان به عنوان مصادقی مهم در عدم‌امنیت سرمایه‌گذاری نام برد. طبق اظهارنظرهای کارشناسی و دقیق موسسات بین‌المللی ارزیابی اعتباری که میزان مخاطره‌پذیری سرمایه‌ها در کشورهای مختلف را می‌سنجند و از پارامترهای متنوع و متعددی استفاده می‌کنند، ریسک سرمایه‌گذاری ایران نسبت به بیشتر کشورهای جهان بالاست. لازم به ذکر است که دو رویکرد کلی در ارزیابی این موسسات، یکی مسایل اقتصادی و دیگری مسایل سیاسی است و استفاده از مناسبت‌های سیاسی نیز به‌علت تاثیرگذاری آنها بر شاخص‌ها و تحولات اقتصادی است. ایجاد بحران‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... و همچنین بحران آفرینی در سطح بین‌المللی، از جمله مسایل مهمی هستند که بر امنیت سرمایه‌گذاری داخلی تاثیر می‌گذارند.

وجود اقتصاد و انحصار دولتی،

عدم‌امنیت سرمایه‌گذاری، ناکارآمدبودن قوانین مربوط به حوزه کسب و کار و سرانجام فرسوده‌بودن مکانیسم اجرایی در حوزه کسب و کار، از جمله مهمترین موانع رشد سرمایه‌گذاری در ایران هستند.

۳) ناکارآمدبودن قوانین مربوط به حوزه کسب و کار: بر کسی پوشیده نیست که قریب‌به‌اتفاق قوانین مربوط به حوزه کسب و کار مانند قانون تجارت، بیمه، مالیات، تامین اجتماعی، کار و... بسیار قدیمی و ناکارآمدند. به‌عنوان مثال، قانون تجارت ایران مربوط به چندین دهه قبل است و هنوز نتوانسته است با تغییرات و تحولات مسایل جهانی و شرایط جدید کسب‌وکار همگام شود، البته چند سالی است که به

برای پیام‌های تبلیغاتی خود از امکانات ما بهره بگیرید.